

نام:	وزارت آموزش و پرورش	درس: ادبیات ۱
نام خانوادگی:		طراح:
پایه: دهم	امتحان پایان نوبت دوم	تاریخ امتحان: ۹۹/ /
رشته:	سال تحصیلی: ۹۸-۹۹	مدت امتحان: ۹۰ دقیقه
ساعت امتحان:		نمره:

ارزش هر کس به مقدار دانایی و تخصص اوست. امام علی(ع)		
۱/۵	<p>قلمرو زبانی ۷ نمره</p> <p>معنی واژگان مشخص شده را بنویسید.</p> <ul style="list-style-type: none"> - و از آموختن، ننگ مدار تا از ننگ رسته باشی. - آب اجل که هست گلوگیر خاص و عام بر حلق و بر دهان شما نیز بگذرد - خبر دهنده از او ملک جبار بود. - در مقابله لئیمی، کریمی کرد. - اینجا آیینهای تجلی همه ی تاریخ است. - بامداد در خانقاه استاد تخت بنهادند. مردم می آمد و می نشستند. 	۱
۱/۵	<p>غلطهای املائی متن زیر را تصحیح کنید.</p> <p>«نزدیک غروب در هاشیه ی رودی زیبا با اشتیاق مشغول نوشتن وصیت نامه ام بودم که به محظ دیدن جذر و مدی باور نکردنی همچون قواصی ماهر به آب زدم تا دوستم را نجات دهم. در این لحظات فقط به یاد خدا بودم و با توکل از باری تعالی می خواستم به من قدرت زیادی عنایت فرماید تا شرمنده دوستم و خانواده اش نباشم. وقتی اصوه ی تو آن تمسیل وفاداری، عباس بن علی(ع) باشد چه باک اگر وجودت هدیه ی راه خدا شود.»</p>	۲
۱	<p>روابط معنایی واژگان زیر را بنویسید.</p> <p>(۱) درخت و برگ (۲) عقل و انسان</p>	۳
۱	<p>در هر یک از عبارتهای زیر قسمتی از اجزای اصلی حذف شده است؛ نوع آن را مشخص کنید.</p> <p>(۱) مهندس گوشش به این حرفها بدهکار نبود و اصلاً به ما جواب نمی داد.</p> <p>(۲) محمد صدرا از دوستش پرسید «از مدرسه ی شاهد چه خبر؟»</p>	۴
۲	<p>در بیت های زیر فعل بر کدام یک از اجزای اصلی تقدم دارد؟</p> <p>(۱) مپندار این شعله افسرده گردد که بعد از من افروزد از مدفن من</p> <p>(۲) جز از جام توحید هرگز ننوشم زنی گر به تیغ ستم، گردن من</p>	۵
۱	<p>قلمرو ادبی ۵ نمره</p> <p>در هر یک از جمله های زیر فقط یک آرایه ی شاخص بیابید.</p> <p>الف) به زبان، دیگر مگو و به دل، دیگر مدار، تا گندم نمای جوفروش نباشی.</p> <p>ب) بدان کوش که بر هر محالی، از حال و نهاد خویش بنگردی، که بزرگان به هر حق و باطلی از جای نشوند.</p>	۶
۱	<p>در هر یک از موارد زیر فقط تشبیه را بیابید و بنویسید.</p> <p>الف) وین بوم محنت از پی آن تا کند خراب بر دولت آشیان شما نیز بگذرد</p> <p>ب) بر تیر جور تان ز تحمل سپر کنیم تا سختی کمان شما نیز بگذرد</p>	۷
۰/۵	<p>در بیت زیر فقط کنایه را مشخص کنید.</p> <p>الف) جز از جام توحید هرگز ننوشم زنی گر به تیغ ستم گردن من</p>	۸

۱/۵	<p><u>حفظ شعر</u></p> <p>بیت‌های زیر را کامل کنید.</p> <p>۱- ----- ۲- دگر باره ایران، پر آوازه شد ۳- ----- ۴- و زین خاک جان پرور تابناک ۵- از این مرز فرخنده‌ی مرد خیز ----- ۶- -----</p>	۹
۱	<p><u>تاریخ ادبیات</u></p> <p>جاهای خالی را با واژه‌های مناسب پر کنید.</p> <p>- شعر بیداد ظالمان سروده‌ی ----- است. - اسرار التوحید اثر ----- است.</p>	۱۰
۲	<p><u>قلمرو فکری ۸ نمره</u></p> <p>ابیات زیر را به نثر روان برگردانید.</p> <p>الف: گه به دهان بر زده کف چون صدف ب: بادی که در زمانه بسی شمع‌ها بکشت ج: میندار این شعله افسرده گردد د: به آورد با او بسنده نبود</p> <p>گه چو تیری که رود بر هدف هم بر چراغدان شما نیز بگذرد که بعد از من افروزد از مدفن من بپیچید ازو روی و برگاشت زود</p>	۱۱
۲	<p>جمله‌های زیر را به نثر روان برگردانید.</p> <p>الف: روزی یکی نزدیک شیخ آمد و گفت: «ای شیخ آمده‌ام تا از اسرار حق چیزی با من نمایی» ب: شیخ بفرمود تا آن حقه به وی دادند. گفت: «زنهار تا سر این حقه باز نکنی» ج: دشمن در برابر ایمان جنود خدا، متکی به ماشین پیچیده‌ی جنگ است. د: خاک مظهر فقر مخلوق در برابر عنای خالق است.</p>	۱۲
۱	<p>با توجه به بیت‌های زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید.</p> <p>چشمه‌ی کوچک چو به آنجا رسید خواست کزان ورطه قدم در کشد لیک چنان خیره و خاموش ماند آ (کدام بیت آرایه‌ی حس آمیزی دارد؟ ب) «قدم در کشیدن» چه مفهومی دارد؟ پ) مفهوم دو بیت اول چیست؟ ت) مفهوم بیت سوم چیست؟</p> <p>وان همه هنگامه‌ی دریا بدید خویشتن از حادثه برتر کشد کز همه شیرین‌سخنی گوش ماند</p>	۱۳
۱	<p>مفهوم کلی بیت‌های زیر را بنویسید.</p> <p>الف) آب اجل که هست گلوگیر خاص و عام ب) زین کاروانسرای بسی کاروان گذشت بر حلق و بر دهان شما نیز بگذرد ناچار کاروان شما نیز بگذرد</p>	۱۴
۱	<p>در بیت «ریش برمی کند و می گفت: ای دریغ کافتاب نعمتم شد زیر میغ، منظور از آفتاب نعمت چیست؟</p>	۱۵
۱	<p>در هر عبارت منظور از قسمت مشخص شده چیست؟</p> <p>الف) ای سرزمینی کز خاکت / خوشه‌های گندم می‌روید / و پیامبران برمی‌خیزند. ب) سرورم جز تو کسی نمانده است که در زندگی ما نخل و عنب و تاکستان بکارد.</p>	۱۶
۲۰	<p>جمع نـمـرات</p>	

<u>قلمرو فکری</u>	
۱- ننگ: عیب و عار	۲- اجل: مرگ - زمان مرگ
۳- جبار: مسلط، یکی از صفات خداوند تعالی است.	۴- لئیمی: پستی، فرومایگی
۵- کریمی: بزرگواری	۶- تجلی: آشکار شدن - جلوه کردن
۷- خانقاه: محلی که درویشان و مرشدان در آن گرد می‌آیند.	
۲- (هاشیه: حاشیه) (محظ: محض) (جذر: جزر) (قواصی: غواصی) (اصوه: اسوه) (تمسیل: تمثیل)	
۳- درخت و برگ: تناسب عقل و انسان: تناسب	
۴- (۱) نهاد جمله‌ی دوم (مهندس) به قرینه‌ی لفظی حذف شده است.	
۲) فعل جمله‌ی دوم (داری) به قرینه‌ی معنوی حذف شده است.	
۵- (۱) فعل بر متمم مقدم شده است.	
۲) فعل بر متمم و مفعول مقدم شده است.	
۶- الف) گندم نمای جوی فروش کنایه از انسان دورو و فریب‌کار «تناسب: زبان، دل، گندم، جو»	
ب) از جای شدن کنایه از خشمگین و دگرگون شدن «تضاد: حق، باطل»	
۷- الف) (اضافه تشبیهی): محنت (مانند)	
ب) (اضافه تشبیهی): جور (مانند) -	
۸- الف) نوشیدن از چیزی کنایه از بهره‌مندی	
۹- چو هنگامه‌ی آزمون تازه شد	دگر باره ایران، پرآوازه شد
از این خطه‌ی نغز پدram پاک	و زین خاکِ جان پرور تابناک
از این مرز فرخنده‌ی مرد خیز	کنام پلنگانِ دشمن ستیز
۱۰- سیف فرغانی	
محمد بن منور	
۱۱- الف) گاهی به خاطر سرعت مانند صدف دهانش کف آلود می‌شد و گاهی مانند تیری بود که به سوی هدف می‌رود.	
ب) مرگ که مانند بادی بسیاری از زندگی‌ها را مثل شمع خاموش کرده است چراغ زندگی شما را هم خاموش خواهد کرد.	
ج) ای دشمن! خیال نکن که شعله‌ی عشق من نسبت به وطن سرد و خاموش می‌شود بلکه این شمع پس از مرگ از آرامگاه من شعله‌ور خواهد شد.	
د) (گرد آفرید در جنگاوری) نمی‌توانست با سهراب برابری کند (به همین خاطر) به سرعت برگشت و از او روی گرداند. (فرار کرد)	
۱۲- الف) روزی کسی نزد شیخ (ابوسعید) آمد و گفت: «ای شیخ آمده‌ام تا از رازهای خدا چیزی به من نشان دهی.»	
ب) شیخ به مریدان فرمود آن جعبه را به او دادند و گفت: «مراقب باش که در این جعبه را باز نکنی.»	
ج) دشمن در مقابل ایمان سربازان خدا به ماشین و ابزار و وسایل پیچیده‌ی جنگ وابسته و متکی است.	
د) خاک نشانه‌ی نیازمندی انسان در برابر بی‌نیازی خداست.	
۱۳- آ) بیت سوم (شیرین سخنی) ب) دوری کردن و دور شدن پ) دوری از خطر ت) حیرت و شگفتی	
۱۴- الف) مرگ همه را در بر می‌گیرد (دنیا فانی هست و همه خواهند مرد)	
ب) ناپایداری دنیا و فراگیری مرگ برای همه.	
۱۵- منظور از (آفتاب نعمت) سخن‌گویی طوطی است که آن را از دست داده است.	
۱۶- الف) خوشه‌های گندم: نسل مبارزان	
ب) در زندگی ما نخل و عنب و تاکستان بکارد: آوردن برکت و فراوانی.	